

**Predigt am Letzten Sonntag nach Epiphania, 31.1.2021,  
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)  
Pfr. Gerhard Triebe**

**2. Petrus 1,16-21:**

16 زمانی که ما درباره قوت و بازگشت خداوندان عیسی مسیح با شما سخن گفتیم، داستانهای ساختگی برایتان تعریف نکردیم، زیرا من با چشمان خود، عظمت و جلال او را دیدم. 17-18 وقتی بر آن کوه مقدس، جلال و شکوه خدای پدر از او می‌درخشید، من آنجا بودم. من آن صدا را شنیدم که از آسمان طنین افکند و گفت: «این فرزند عزیز من است؛ از او بسیار خشنودم.»

19 پس ملاحظه می‌کنید که ما آنچه را که انبیا گفته‌اند، به چشم دیده و ثابت کرده‌ایم که گفتار آنان حقیقت دارد. شما نیز اگر به نوشته‌های ایشان با دقت بیشتری توجه نمایید، کار بسیار خوبی می‌کنید. زیرا کلام ایشان همچون نور بر همه زوایای تاریخ می‌تابد و نکات مبهم و دشوار را برای ما روشن می‌سازد. با مطالعه و دقت در کلام ایشان، نور در وجودتان طلوع خواهد کرد و مسیح، این «ستاره صبح» در قلبتان خواهد درخشید. 20-21 این را بدانید که هیچیک از پیشگویی‌های کتاب آسمانی، از فکر خود انبیا تراوش نکرده، بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می‌گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می‌کرد تا بازگو نمایند.

جماعت عزیز، یازده روز پیش، جو بایدن به عنوان رئیس جمهور جدید ایالات متحده سوگند یاد کرد. بسیاری از دولت‌ها تبریکات، خوشحالی و آسودگی خود را ابراز داشتند که اکنون اطمینان دوباره به سیاست‌های آمریکا بازگشت. زیرا دونالد ترامپ دیدگاه خودش را درباره حقیقت داشت. هر چیزی که به درد او نمی‌خورد خبر جعلی بود. به عنوان اخبار دروغ و این دقیقاً همان چیزی است که ما طی چند سال گذشته تجربه کرده‌ایم: آنچه مردم فکر می‌کنند درست است یا آنچه مردم می‌خواهند باور کنند تفاوت زیادی ایجاد می‌کند. حتی می‌تواند جامعه را از هم بپاشد.

این دقیقاً همان کاری است که کمونیست‌ها قصد داشتند با آنچه در کلیسا اعتقاد دارند انجام دهند. آنها به بچه‌ها یاد دادند که اینها فقط افسانه‌ها هستند. آنها می‌خواستند مسیحیان را به گروهی در جامعه تبدیل کنند که دیگر حرفی برای گفتن ندارد. اما این حقیقت را تغییر نداده است که خداوند در عیسی مسیح انسان شد تا ما را از گناه و مرگ نجات دهد.

اکنون افراد زیادی در اطراف ما هستند که کتاب مقدس را نوعی کتاب داستان می‌دانند. و ما خودمان بعضی اوقات از خود می‌پرسیم که چگونه ممکن بود، به عنوان مثال گذر مردم از میان دریای سرخ، زنده شدن مردگان توسط الیاس یا عیسی، معجزات تغذیه یا آرام کردن طوفان و غیره. آیا این‌ها بعضی اوقات اسکیزوفرنیک به نظر نمی‌رسد؟ در طول هفته ما خود را بر روی حقایق علمی معطوف می‌کنیم، و روز یکشنبه چیزهایی از خدا انتظار داریم که با تمام تفکرات منطقی مغایرت دارد. در زندگی روزمره ما توسط عقل هدایت می‌شویم، اما در کلیسا غیر ممکن را غیر ممکن می‌دانیم و به آن اعتماد می‌کنیم. تفاوت بین مسیحیان و افرادی که در یک "واقعیت جایگزین" حرکت می‌کنند چیست؟ آیا این "اخبار جعلی" است که ما گرفتار آن شده‌ایم یا می‌توانیم به آنچه وعده داده شده است و به ما داده شده اعتماد کنیم؟

پیامبر به ما دلیل سه گانه ای می‌دهد که چرا ما به عنوان کلیسای عیسی مسیح و به عنوان فردی مسیحی بنیان محکمی برای ایمان خود داریم. این سه دلیل عبارتند از: (1) شهادت رسولان، (2) نور انبیا، و (3) کتاب مقدس.

16 زمانی که ما درباره قوت و بازگشت خداوندان عیسی مسیح با شما سخن گفتیم، داستانهای ساختگی برایتان تعریف نکردیم، زیرا من با چشمان خود، عظمت و جلال او را دیدم.

موعظه مریدان و رسولان بر اساس ملاحظات و نتیجه گیری های حکیمانه نیست ، بلکه براساس آنچه آنها خود دیده و شنیده اند ، است. منشأ عشق خدا از روی بادگیری افراد متدین آغاز نمی شود. این یک پایه محکم و پایدار است. و این دلیل در جایی نهفته است که خداوند برای نجات ما در عیسی مسیح عمل کرده است ، جایی که او خود را در این زمان و جهان به ما انسانها معرفی کرده است. مردم شاهد این عمل خدا در جهان شدند. آنها دیدند و شنیدند که چه اتفاقی افتاد.

این اولین شاهدان به هیچ وجه از ابتدا که عیسی را ملاقات کردند ایماندار نبودند. آنها سوالاتی پرسیدید و صادقانه شک کردند، اما عیسی اعتماد آنها را از طریق آنچه که اجازه داد با او تجربه کنند جلب کرد. و آنچه را که از او دیدند و شنیدند ، منتقل کردند. آنها این کار را از فاصله دور با انجام ندادند ، بلکه شخصاً تحت تأثیر قرار گرفتند ، به عنوان افرادی که خود را به این واقعه ی عیسی سوق داده بودند: به عنوان ایماندارانی که از نزدیک آقای خود را دیده اند.

نسل اول شاهدان مسیح مجبور به خیال پردازی نشدند ، جماعت عزیز. آنها توانستند از آنچه مشاهده کرده اند بگویند: "ما جلال او را دیدیم ، شکوه و عظمت را به عنوان تنها پسر پسر پدر دیدیم ...". در آغاز انجیل یوحنا (1:14) خواندیم. و نامه اول یوحنا با این کلمات آغاز می شود: "آنچه از ابتدا بود ، آنچه شنیدیم ، آنچه با چشم دیدیم ، آنچه را که نگاه کردیم و دستان خود را لمس کردیم ... ما به شما تبلیغ می کنیم ، شما نیز با آنها معاشرت دارید" (1:1 ، 3). این شاهدان اولیه مسیحیت تنها یک هدف داشتند: این که از طریق کلام و موعظه خود ، افراد دیگر را هم با عیسی مسیح ارتباط دهند و زندگی های تحقق یافته ای را با او پیدا کنند. حتی با تهدید و بد رفتاری ، آنها به خود اجازه نمی دادند که از گفتن این جمله منع شوند: "ما نمی توانیم از آنچه دیده و شنیده ایم صحبت نکنیم" (اعمال 4:20)

ایمان ما بر این اساس است .

آن چیزی که از طریق عیسی مسیح از طرف خدا در وسط تاریخ زمینی ما اتفاق افتاده است ، که نشان دهنده نجات ما است.

و اینکه افرادی هستند که به عنوان ایمانداران به مسیح به ما شهادت می دهند و این را با کلام خود تأیید می کنند: ما دیده ایم و شنیده ایم!

این دیدن و شنیدن در کل تاریخ کلیسای مسیحی ادامه دارد. هر کسی که مسیح زنده را در اینجا و امروز ملاقات کند و توسط او فراخوانده شده و نجات می یابد ، می تواند چیزی شبیه به دیده ها و شنیده های اولین شاهدین را ببیند و بشنود - برای دیدن و شنیدن آنچه خدا از طریق عیسی مسیح به ما می دهد: صلح با خود ، با انسانهای دیگر و با خدا ، حمایت و امنیت ، آزادی و تحقق زندگی؛ را سر لوحه قرار دهیم.

دوم

"پس ملاحظه می کنید که ما آنچه را که انبیا گفته اند، به چشم دیده و ثابت کرده ایم که گفتار آنان حقیقت دارد. شما نیز اگر به نوشته های ایشان با دقت بیشتری توجه نمایید، کار بسیار خوبی می کنید. زیرا کلام ایشان همچون نور بر همه زوایای تاریک می تابد و نکات مبهم و دشوار را برای ما روشن می سازد. با مطالعه و دقت در کلام ایشان، نور در وجودتان طلوع خواهد کرد و مسیح، این «ستاره صبح» در قلبتان خواهد درخشید." (آیه 19).

آنچه اولین شاهدان مسیحیت ، مریدان و حواریون از عیسی می گویند ، مدتها توسط پیامبران اعلام شده بود: آمدن ، تولد ، کار او ، این که مانند بنده خدا ، رنجایش ظاهر می شود - همه در کلمه نبوی عهد عتیق اشاره شده است. همانطور که در یک عکس با نور پس زمینه ، خطوط بیرونی نیز ظاهر می شوند ، اگرچه ما نمی توانیم تمام جزئیات را تا آخر ببینیم.

در هر صورت ، این مردانی که ما در عهد عتیق به عنوان پیامبر با آنها روبرو می شویم ، خیال پرداز نبودند. آنها فالگیر هم نبودند. اما آنها حقیقت را درباره کسی که می آید و آنچه قرار است اتفاق بیفتد ، گفتند. سخنان آنها اتفاقاتی را که هنوز فاصله زیادی دارند روشن می کند ، گویی با نورافکن ها. "برای شما خوب است که توجه کنید!" همانطور که در ابتدای آمدن عیسی به این جهان آنچه انبیا اعلام کرده بودند تحقق یافت ، آنچه که امروز کتاب مقدس به ما می گوید در دومین آمدن او تحقق خواهد یافت. عهد عتیق در اینجا از حقیقت عهد جدید دفاع می کند. آنچه در قدیم از نظر نبوت به ما اعلام شده بود ، راهی را که مسیح در آن آمده است روشن می کند و بنابراین بر وحدت و حقیقت کتاب مقدس شهادت می دهد. به همین دلیل است ، اگر می خواهیم عیسی مسیح را به درستی بشناسیم ، بدون عهد عتیق نمی توانیم این کار را انجام دهیم.

پیامبران نمی خواهند هیچ چیزی برای حدس و گمان درباره سوالات مربوط به زمان آخر ، به ما ارائه دهند. توجه به حرف آنها به معنای تبدیل کتاب مقدس به تقویمی از جهان آینده و حوادث نجات و استفاده نادرست از آن به عنوان نوعی فال نیست. بلکه به معنای درک هر روز به عنوان زمان سپرده شده است.

این بدان معناست که آنچه لازم و ضروری است انجام دهیم ، زیرا ما برای هر کاری که می کنیم یا نمی کنیم باید پاسخگوی خداوند باشیم. بنابراین روز آینده خدا جدیت خود را بر تمام روزهای زمینی ما می گذارد و برای ما روشن می سازد که فقط در صورت مشاهده و استفاده صحیح از آنها می توانیم آنها را به عنوان نقاطی از مسیری که منجر به تکمیل این جهان می شود ببینیم و از آنها استفاده کنیم.

سوم

"این را بدانید که هیچیک از پیشگویی های کتاب آسمانی، از فکر خود انبیا تراوش نکرده، بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می کرد تا بازگو نمایند." (آیه 21). جماعت عزیز ، با این جمله، ما در برابر رمز و راز نهایی کتاب مقدس ایستاده ایم. چگونه این کتاب واقعاً بوجود آمده است که ما آن را "کتاب مقدس" می نامیم ، یعنی "کتاب"؟ "کتابی" که به دلیل استانداردهای بالا از همه کتاب های دیگر ادبیات جهان متمایز است؟ آیا می توانیم به این کتاب اعتماد کنیم؟ آیا واقعاً خدا در اینجا با ما صحبت می کند ، یا افسانه هایی از افرادی است که دنیای خود را ساخته اند؟

در هر صورت ، یک چیز واضح است ، جماعت عزیز: هیچ کتابی در کل جهان وجود ندارد که به این اندازه دقیق مانند کتاب مقدس ما بررسی شده باشد. در طی این مطالعات توسط دانشمندان کتاب مقدس ، مواردی آشکار شده است که ما به عنوان خوانندگان کتاب مقدس ، فقط به ضرر خودمان نادیده می گیریم - به عنوان مثال ، این کتاب ناگهان از آسمان نیفتاد. قرن ها طول کشید تا کتاب مقدس ، که اساساً یک کتاب نیست بلکه یک کتابخانه کامل است ، به شکلی که امروز در دست داریم آماده شد. مردم آنها را نوشتند. در همه جاهایی که مردم در آن کار و زندگی می کردند ، یعنی به روشی کاملاً انسانی. ما می توانیم تقریباً در هر صفحه از کتاب مقدس کشف کنیم که چگونه نویسندگان آن در زمانهای مربوطه ، با ایده های شکل گرفته در آن زمان و ابزار بیان زبانشان گره خورده اند.

اما اگر این نتیجه را بگیریم که کتاب مقدس فقط کتابی مانند کتابهای دیگر است ، کشنده خواهد بود. کتاب مقدس قطعاً جنبه انسانی خود را دارد. اما هنوز کتابی نیست که فقط توسط مردم نوشته شده باشد. زیرا آن یک راز دارد. از گفته های انسانی آنها ، خدا با ما صحبت می کند که چه موقع و در کجا و چگونه او را خشنود می کند. او از طریق کلمات کتاب مقدس مردم را به ایمان فرا می خواند ، اعتماد به آنها را بیدار می کند ، آنها را به با هم بودن هدایت می کند ، به آنها جهت رفتن ، قدرت زندگی و تسلی در مرگ را راهنمایی می کند. این یک راز است که ما انسان ها نمی توانیم با عقل خود به این برسیم که چگونه کلمات انسانی و گفتار الهی در اینجا آمیخته شده است .

یک نقاشی از رامبراند وجود دارد که انجیل متی را نشان می دهد که رامبراند بر روی آن کار می کند. قلم در دست دارد. او در حال مکث ، فکر ، مراقبه ، سازماندهی ، فرمول بندی است. او از ذهن خود استفاده می کند ، اجازه می دهد احساساتش جریان پیدا کند ، قلب او ، بله ، کل شخص درگیر این کار است. او به زبان زمان

خود می نویسد. او مثل همیشه به انسان‌های محیطش می اندیشد. از یک طرف، کتابی در زیر قلم وی ایجاد شد که با کلمات و تصاویر انسانی نوشته شده است. اما اکنون رامبراند در پشت نقاشی خود، بسیار نزدیک به گوش بشارت دهنده، فرشته ای را نقاشی کرده است که پیام الهی را به شخص متی زمزمه می کند. این هنرمند تلاش کرده است نشان دهد که پیام کتاب مقدس در نهایت به دلیل عقل مردم نیست، بلکه منبع دیگری دارد: "با الهام از روح القدس، مردم به نام خدا صحبت می کردند." بنابراین خود خدای زنده نویسنده واقعی است. اما درست همانطور که خداوند با عیسی مسیح بر روی زمین ما عبور کرد و خود را در معرض دید مردم قرار داد، همانطور که اجازه داد خودش توسط آنها مورد تمسخر، محکومیت و مصلوب شدن قرار بگیرد و در پایان با این وجود پیروز باقی بماند، این نیز با کلام او همراه است. خداوند آن را در زبان بشر قرار داد، آن را در معرض دید ما انسانها، پرستش و تحقیر ما، عشق و نفرت ما قرار داد. مانند خود عیسی، این کلمه مورد تمسخر و توهین قرار گرفت، و با این حال تا امروز زنده مانده است. علیرغم همه خصومت‌ها و حملات، این رستاخیز یکی پس از دیگری را تجربه می کند، درست همانطور که خداوند در عید پاک مصلوب شد.

از طریق کلمات ضعیف و ناقص انسانی، خدا کار خود را با کتاب مقدس انجام می دهد زیرا می خواهد خیلی به ما انسان‌ها نزدیک شود. علیرغم زخمهایی که به همراه دارد، کلامی است که می توان در زندگی و مرگ به آن اعتماد کرد. از آنجا که مردم ایماندار نمی خواستند بدون این کتاب کار کنند، وطن خود را ترک کرده و به کشورهای دیگر نقل مکان کردند، بله، بسیاری بخاطر آن شهید شده اند.

این زمینی است که ما روی آن ایستاده ایم، همانطور که کتاب مقدس به ما نشان می دهد: (1) شهادت رسولان، (2) نور انبیا و (3) کلام کتاب مقدس. ما ذهن خود را خاموش نمی کنیم و قول خدا را می پذیریم. بنابراین می توانیم تعداد بی شماری از مسیحیان را در کنار خود تجربه کنیم: خدا در واقع اجازه می دهد که خودش این واژه را به خود جذب کند. "برای شما خوب است که توجه کنید" - نه تنها در روز یکشنبه، بلکه در زندگی روزمره، نه تنها با آنچه احتمالاً و منطقی می دانیم، بلکه با همه آنچه که او به ما قول داده است، نه فقط برای ما به تنهایی، بلکه در مشارکت با مسیحیان دیگر، ما در درک کلمه و اجرای آن در زندگی بیشتر به یکدیگر کمک می کنیم. بنابراین همیشه "نوری خواهد بود که در یک مکان تاریک می درخشد تا اینکه روز شکسته شود و ستاره صبح در قلب ما طلوع کند." آمین